

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و یکم

فرجام نبوت ۲

دیروز عرض کردیم که وعده پروردگار به انبیاء و رسولان خود در میان مردم، یک وعده امیدبخش و نوید آمیزی است. یعنی خدای متعال وعده کرده است که پیغمبران خود را و حاملان بار امانت رسالت را و همچنین همه دعوت کنندگان به سوی دین و حق و حقیقت را، هم در این دنیا پیروز کند بر دشمنانشان و هم در آخرت اجر و ثواب و پاداش به آنها ببخشد. اما بعضی از انبیاء غیر از آن کامیابی نهایی که بار را یک متر به سر منزل نزدیک کردند، علاوه بر این، موفقیت‌هایی هم در دنیا نصیب‌شان شده است. آن موفقیت‌ها عبارت از این بوده که توانسته‌اند جامعه‌ای بر اساس فکر توحیدی و مکتب پیشنهادی خود به وجود بیاورند. بعضی از انبیاء این شانس را نداشتند. مثل کی؟ مثل زکریا که مثال زدم. مثل یحیی که مثال زدم. در زندگی ناکام شدند. بالاخره کشته شدند. و مثل بعضی دیگر از انبیاء قبل از زکریا و قبل از یحیی.

این چیست؟ این سخن چگونه قابل تحلیل و توجیه است؟ چرا بعضی از انبیاء موفق می‌شوند و بعضی دیگر ناکام می‌شوند؟ جواب در یک جمله کوتاه است. همه جا موفقیت‌هایی که مردان و رهبران و بزرگان الهی کسب کردند؛ در گرو ایمان و صبر بوده است و همه جا آنجایی که رهبران بزرگ الهی و داعیان حق و حقیقت شکست خورده‌اند؛ بر اثر نداشتن مایه کافی از ایمان یا از صبر بوده است. بدون برو و برگرد. اقتضای فتح و پیشرفت در دعوت انبیاء هست. چون انبیاء بر طبق حق سخن می‌گویند. بر طبق حق حرکت می‌کنند و حق پیروز است. حق بر طبق فطرت و سرشت جهان است، پس موفق و پیروز است. انبیاء هم بر طبق سرشت جهان دارند حرف می‌زنند.

بنابراین مایه و اقتضای موفقیت در نهضت انبیاء و در انقلاب پیغمبران به طور کامل موجود است. اگر زید بن علی آنجا شهید می‌شود با آن وضع ناکام؛ این دلیل بر این نیست که حق محکوم به زوال و شکست است. دلیل بر این است که حق هم با وجودی که حق است؛ احتیاج دارد به کار و تلاش و کوشش. گمان نکنیم چون حرف ما حق است پس لازم نیست تلاش کنیم در راهش! زید بن علی حرفش حق بوده، مسلم. امام صادق صلوات الله علیه هم امضا کرده بود مبارزه زید بن علی را با دستگاه هشام بن عبدالملک. آن مبارزه عجیب را، اجازه داده بودند به او که تاریخ ناطق به این معناست. این بزرگوار هم رفت کارها را هم خوب رو به راه کرد. منتهی یک عده مردم بهانه‌جوی نادان ناآگاه و یا مغرض، تحت تأثیر تبلیغات سوء دشمن بیدار، در لحظه لازم او را مخدول کردند و تنها گذاشتند و این درس را ما از آن ماجرا یاد می‌گیریم که حرف اگر حق باشد؛ حتی به حقانیت حرف زید بن علی؛ باز اگر پیروانش، طرفدارانش، او را تنها گذاشتند، اگر در راه او و در پای او کوشش و مجاهدت نکردند، شکست می‌خورند! اگر مجاهدت کردند پیش می‌روند.

امیرالمومنین صلوات الله علیه در یک خطبه از نهج البلاغه (در خطبی البته) از جمله در یک خطبه کوتاه این مطلب را کاملاً روشن می‌فرمایند. شرح ماجرای پیشرفت‌های سپاهیان اسلام را می‌دهد امیرالمومنین در زمان پیغمبر. می‌فرماید: « وَ لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ نَقْتُلُ ءَابَاءَنَا وَ أَبْنَاءَنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا » می‌گوید: ما در کنار پیغمبر و رکاب پیغمبر که بودیم؛ این جوری عمل می‌کردیم. توی میدان جنگ که می‌رفتیم؛ پدرهای خودمان را، فرزندان خودمان را، برادران خودمان را، عموهای خودمان را که در جبهه کفر و شرک بودند؛ می‌کشتیم. بعد هم که این‌ها را می‌کشتیم، برمی‌گشتیم در دل متزلزل نمی‌شدیم که ای داد و بیداد! دیدی ما برای خاطر این دین تازه، این فکر تازه، این فرزند دل‌بندمان را کشتیم! نه، ایمان ما بر اثر این اقدام حاد و قاطع کم نمی‌شد. زیاد می‌شد. «لَا يَزِيدُنَا ذَلِكَ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا» این مجاهدت ما بر ایمان ما و تسلیم ما می‌افزود. «وَ مُضِيًّا عَلَى اللَّقْمِ وَ صَبْرًا عَلَى مَضَضِ الْأَلَمِ» این مجاهدت ما موجب می‌شد که ما در کارهای دشوار قاطع‌تر عمل بکنیم. بر دردها و سوزش‌های مجاهدت، بیشتر صبر کنیم.

چرا در آن روز پیغمبر خدا آن جور پیشرفت کرد؟! و چرا در زمان امیرالمومنین کارها آن جور متوقف ماند؟! چرا؟! امیرالمومنین دارد بیان می‌کند سرش را. می‌گوید چون آن روز ما صبر کردیم در میدان‌های جنگ. آن روز در سوزش درد صبر کردیم. آن روز حاضر شدیم از توی رختخواب بیاییم توی میدان. آن روز حاضر شدیم از منافع مادی و کسب و کارمان بگذریم برای خدا، اما امروز شما حاضر نیستید! آن روز پیش رفتیم امروز عقب می‌مانیم. یک مسئله خیلی ساده و روشن، دو دو تا چهار تا. این تحلیل اجتماعی امیرالمومنین است.

باری خلاصه مطلب این می‌شود که پیغمبران الهی علاوه بر آن که در سلسله نبوت‌ها کارشان توأم با پیروزی است؛ در پایان کار فتح و فرجام ابدی و نهایی با آنهاست؛ در همین دنیا هم پیغمبران فتح و پیروزی و دست یافتن بر خواسته‌های خود و خواسته‌های مکتب‌شان برایشان مسلم است اما به شرط این که پیروانشان، همراهانشان، ایمان بیاورند. ایمان واقعی به خرج بدهند. کمک بکنند و در میدان‌های مبارزه و جهاد صبر کنند. به شرط ایمان و صبر. این حاصل کلام است.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری